

روزنه

توضیح دفتر هاشمی درباره سخنان زاکانی

● دفتر هاشمی‌رفسنجانی با انتشار توضیحی سخنان زاکانی را تکذیب کرد. در این تکذیبیه آمده است: «با توجه به سخنان طنزآمیز و البته بغض‌آلود یکی از مدعیان ارزش‌مداری و اصولگرایی که ادعا کرده، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با صراحت!! گفته بود: «من قائل‌م انتخابات محدود و کنترل‌شده باشد و آدم‌ها را حساب‌شده از صندوق بیرون بیاوریم، اما رهبری قائل‌اند که انتخابات با حضور گسترده مردم باشد». یادآوری مواردی چند ضروری است: ۱- کسی که فقط با ۳۹۹هزارو ۱۹۹ رای از دو میلیون و ۳۳۵هزار و ۱۲۴ رای مردم در آخرین انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده تهران، ری، شمیرانات و اسلام‌شهر وارد مجلس شده، خود را برآمده از «مشارکت حداکثری» می‌داند و اخیراً نیز با تمام تلاشی‌که برای به تصویب‌نرسیدن برجام در مجلس انجام داده، با رای قاطع نمایندگان و سپس تأیید رهبری و مردم مواجه شده است و شاید از نقش آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در این مسیر اطلاع دارد که از شدت ناراحتی، برای خود این حق را قائل شده تا به بزرگان نظام توهین کند. ۲- جالب‌تر از دروغ‌گویی‌های خشم‌آلود این شخص، ذوق‌زدگی یک روزنامه است که دروغ‌ها را با تیتَر در صفحه اول منتشر کرده است. ۳- اگرچه دروغ‌بودن سخنان منسوب به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی آشکار است و نیاز به تکذیب ندارد، اما برای توطئه افکار عمومی، مطالبی را به اطلاع عموم می‌رساند.

مطلب منقول درخصوص انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی است که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بارها درباره آن گفت: «در جلسات روحانیت مبارز در آستانه مجلس پنجم اکثریت آنها مایل بودند هر ۳۰ نفر نامزد مورد حمایت در تهران از یک جناح و آن هم جناح راست انتخاب شود. اما من می‌گفتم این درست نیست و باید این ۳۰ نفر بین دو جناح تقسیم شود تا روحانیت تقسیم نشود، چراکه روحانیت نفوذش در این وحدتی است که تا به حال داشته، حالا اگر در مقابل هم قرار بگیرند و رقابت کنند، این چیز خوبی نیست. آنها قبول نکردند و کم‌کم از ۱۵ تا آمدیم پایین. از آن طرف آقای دکتر حبیبی هم از اعضای کابینه برای من پیغام آورد که آقایان می‌گویند اگر برای ما سهمی به این جناح داده نشود، ما خودمان جداگانه لیست می‌دهیم. من نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد. به‌رحال هر چه گفتیم کار پیش نرفت تا اینکه رسیدیم به پنج نفر. این پنج نفر هم از معتدلین جناح چپ مانند آقایان دعایی، انصاری، محبوب و کمالی بودند. جامعه روحانیت این موضوع را پذیرفتند و تصویب شد. اعضای کابینه هم برای من احترام قائل بودند و به تصمیم اعتراضی نکردند.

بعد از دو سه روز آقای ناطق‌نوری پیش من آمد و گفت آقایان نمی‌پذیرند این پنج نفر نامزد شوند و می‌گویند چرا ما باید رأی خود را به دیگران بدهیم؟ من گفتم: ضرری که به روحانیت می‌خورد، برای شما اهمیت ندارد؟ گفتم: در این صورت این پنج نفر و دوستانشان می‌روند در لیست دیگری وارد می‌شوند. نمی‌گویم که همه لیست شما شکست می‌خورد، اما قطعاً آنها مؤثرند و بخشی از آرا را به سمت خود می‌برند. آقای ناطق گفت: من دوباره می‌روم با آنها صحبت می‌کنم. ایشان رفت و صحبت کرد و گفت: نمی‌پذیرند. من گفتم چون کار دارم و نمی‌توانم دیگر در جلسه بیایم، می‌توانیم این موضوع را به قضاوت «آقا» محول کنیم. ایشان رفت با رهبری صحبت کرد. رهبری هم گفتند: چرا دست آنها را ببندیم؟ خب آنها بروند تشکیلات خود را داشته باشند.

وقتی این پنج نفر از حمایت جامعه روحانیت مأیوس شدند و به آنها هم چراغ سبز داده شد، خودشان اعلامیه دادند. من به آقا گفتم: هنوز هم دیر نشده است، می‌توان کاری کرد که انتخابات با وحدت انجام شود. آقا به من فرمود: چرا باید ناراحت باشیم؟ قرار است نمایندگانی به مجلس بروند که می‌روند.»

با توجه به این سخنان صریح که در طول سالیان اخیر بارها از سوی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تکرار شده و با کمترین جست‌وجو در فضای مجازی و پایگانی روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها قابل دسترسی است، جای شگفتی است که شخصی مطالبی را با نقل‌قول مستقیم به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نسبت دهد و برای سندسازی دروغ‌هایش، سخن از «دو دیدار یکی از تشکل‌ها در سال ۷۹» می‌گوید.

نکته دیگر اینکه با همه دروغ‌ها و بی‌اخلاقی‌های سیاسی، طلب استغفار می‌کند که چرا «تا به حال درباره هاشمی با مردم حرف نزدیم!» مطمئنا مردم شریف می‌دانند و خواهند گفت که دیگر چه می‌خواستید بگویید و نکتید؟؟!

امیدواریم مدعیان دنیای سیاست و دیانت به‌گونه‌ای سخن نگویند که متحکه کوچه و بازار شوند و این برای کسی که عنوان نمایندگی مردم را دارد، اصلا خوب نیست.

۳۷ سال پیش ۱۴ آبان ۵۷، در بحبوحه اعتراضات مردمی، شاه میان‌سال و مستاصل از اداره کشور، مقابل دوربین تلویزیون ملی نشست؛ آمده بود تا بی‌برده سخن بگوید، جمله معروفی را گفت که بارها شنیده‌ایم: «من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم».

شتاب وقایع سال ۵۷ از تیرماه فزونی گرفته بود، چندین ناآرامی بزرگ و پی‌درپی اتفاق افتاد. روز ۱۷ شهریور در تظاهراتی گسترده در تهران حدود ۵۰۰ هزار نفر شرکت کردند. مردم شعار می‌دادند «مرگ بر شاه»، «مرگ بر امپریالیسم» و «زندانیان سیاسی را آزاد کنید». شاه حکومت نظامی اعلام کرد، تانک‌ها را به خیابان فرستاد و به ارتش دستور داد که آتش بکشانند. رادیو بی‌بی‌سی، تعداد کشتگان را ۴۷۵ نفر گزارش کرد. در این اعتراض‌ها همه اقشار جامعه از مردان و زنان و از طبقه‌های مختلف شرکت کردند کارگران و دست‌فروشان، کسبه بازار، روحانیون، دانشجویان، روشنفکران و تحصیل‌کرده‌های غرب. پس از وقوع «جمعه سیاه» در زمان نخست‌وزیری جعفر شریف‌امامی، شاه دریافت اداره کشور از دستش خارج شده است. آخرین تلاش او اصلاحات سیاسی بود. اما ادامه اتفاقات و پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران، در بهمن‌ماه همان سال نشان داد که او صدای مردم را دیر شنیده است.

سال ۱۳۳۲، شاه جوان ۳۴ساله با همکاری غرب کودتایی به راه انداخت و دولت ملی محمد مصدق را برکنار کرد. شاید اگر آن روزها محمدرضا پهلوی صدای حسین فاطمی را شنیده بود، می‌توانست به جای فرار از ایران و مردن در قاهره، در مملکت خود چشم از جهان فروبند. فاطمی اولین کسی بود که در زمان مشروطه دست‌وپاشکسته پهلوی، خواهان جمهوری شده بود.

فاطمی در مرداد ۱۳۳۲ در میدان بهارستان فریاد زد: «هم‌وطنان، جنایات دربار پهلوی روی جنایات ملک قاروق را سفید کرد. هم‌وطنان، اسلحه‌ای که در قیمت عرق جبین شما تهیه شده بود، فرزند عاقد قرارداد ۱۹۳۳ (شاه) می‌خواست علیه نهضت شما به کار اندازد. هم‌وطنان، خان همیشه خائف است. روزی که صدای رادیو تهران بلند شد، آن دقیقه‌ای که گفت نقش کودتای اجنبی، قوای خائن، نقش برآب شد، راه اولین سفراتی را که انگلستان دارد در پیش گرفت». صدای انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، سال ۳۲ از گلولی فاطمی بیرون آمد تا پیش از آن نخبگان و مقامات بلندپایه دولتی بود، با استناد به گزارش‌هایی که از سطح کشور به دست آنان رسیده بود، که در قالب نامه‌ای به شاه پیشنهاد شد.

براساس اسناد به‌دست‌آمده، پیشنهادها از این قرار بود:

۱- با ارزیابی شرایط کنونی و بازتاب‌هایی که به موازات رویدادها در عرصه اجتماع ایران به‌طور ی بی‌سابقه جریان دارد و با توجه به نگرانی‌های دائم‌التزاید فعلی مردم، اعضای کمیسیون استدعا دارند در صورت استقرار اراده سیه ملوکانه، ضمن فرمایش‌هایی درخصوص مسائل جاری و روز به ترتیبی که مقتضی تشخیص فرمایند ملت ایران را در جریان حقایق قرار داده و از نگرانی نجات بخشد.

۲- اتخاذ تدابیر عاجل و قاطع برای تأمین مواد عمده مصرفی غذایی و سایر مصارف ضروری مانند سوخت، برق، آب و... و خدمات عمومی مانند حمل‌ونقل.

۳- قاطعیت در مقابل تقاضاهای غیرمنطقی و بازدارنده در صنایع و خدمات همراه با تهیه و اجرای فوری طرح‌های جانشین به منظور تأمین حداقل نیازمندی‌ها در شرایط اضطراری و نیمه‌اضطراری و متقابلاً اعمال کمال سعی و کوشش دولت در تأمین خواسته‌های منطقی و معقول کارکنان و کارگران و ارائه تصمیمات مربوط به‌ صورت واقعی و اصیل به مردم.

۴- پیشنهاد می‌کند دولت مساعی و تسهیلات لازم به منظور ایفای وظایف رسانه‌های همگانی و مطبوعات به صورت اصیل معمول دارد.

۵- شدت و سرعت هرچه بیشتر در اجرای برنامه مبارزه با فساد و فاسد به طوری که کاملاً آگاه و محسوس و مورد قبول قرار گیرد و همچنین مجازات مجرمین و برکناری فوری افرادی که در هر سمت، سو‌شهرت اجتماعی و بالخصوص مالی دارند، بر نظر جامعه خاصه منتقدین تضمین توفیق این برنامه است.

۶- از وجود نویسندگان و صاحب‌نظران اجتماعی و دانشمندان و محققین برای مناظرات و بحث و انتقادات تلویزیونی و رادیویی استفاده شود.

۷- تدارک و جبران فوری خسارات واردشده ناشی از حرق و تخریب ضمن آشوب‌های اخیر که به بخش خصوصی آحاد و افراد مردم وارد شده است.

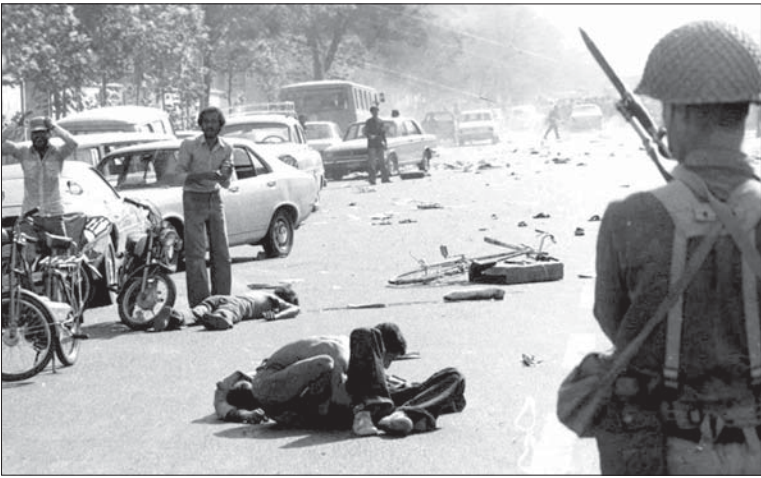
۸- پاسخ‌گویی فوری و سریع مسئولان مربوط به انتقادات و ادعاهای معمول و توضیح سریع و

تاریخ سیاسی

نگاهی به مهم‌ترین سخنرانی شاه

مردی که صدای مردم را دیر شنید

نزعت امیرآبادیان



به‌موقع راجع به شایعاتی که منتشر می‌شود.

۹- ارائه و نمایش هرگونه اقدامات تخریبی و ضدمردمی به صورت آگاهانه و غیرمستقیم در رسانه‌های همگانی به منظور ایجاد علم و اطلاع عامه به خرابی‌ها و ویرانگری‌ها.

۱۰- اصلاح یا الغای کلیه قوانین و مقررات مزاحم و دست‌وپاکیر و بی‌نتیجه و آنچه که محل حقوق مالکیت معقول و معتدل افراد جامعه می‌شود و همچنین مقرراتی که بدون ضرورت و حتی به خاطر افسراد، عامل ایجاد سازمان‌ها و شرکت‌های وسیع و بدون بازده و حتی بازدارنده در ایفای وظایف دستگاه‌های اصلی و موجب ناهماهنگی‌های زیاد شده است.

۱۱- تجدیدنظر در مقررات صادرات و واردات سال آینده برای کالاهای لوکس و غیرضرور در راستای محدودیت واردات آنها و همچنین

ازبین‌بردن انحصارات تولیدی و بازرگانی بخش خصوصی از طریق قانون ضدانحصار و مشارکت دادن گروه‌های مختلف بازرگانان و تولیدکنندگان در اتخاذ سیاست‌های بازرگانی و تولیدی مربوط به خود.

۱۲- اقدامات مقتضی دولت برای تحبیب و جلب‌نظرات جامعه اصیل روحانیت ایران و سعی در ایجاد تفاهم بین روحانیون و دولت برای تحکیم همبستگی ملی و ایجاد باور و اعتقاد آنان به حسن‌نیت و ملاحظت دولت.

نویسندگان نطق تلویزیونی

متن سخنرانی، زیر نظر قرح پهلوی و توسط دکتر سیدحسین نصر، رضا فقیح و هوشنگ نهاوندی تهیه شد. قطعی سپردایی فرح دیا و تحصیل کرده فرانسه بود. او در فرانسه از دانشجویان ملی‌گرای عضو حزب پان ایرانیست بود، پس از تحصیل به ایران بازگشت و بعدها به ریاست تشکیلات جدید «سازمان تلویزیون ملی ایران» منصوب شد و تا سال ۱۳۵۷ این سمت را برعهده داشت. نهاوندی در دوران محمدرضا پهلوی وزیر علوم و رئیس دانشگاه تهران بود.

او هم تحصیل‌کرده فرانسه بود و در آن زمان عضو گروه چپکاری پاریس بود. سیدحسین نصر نیز فیلسوف و متاله ایرانی و استاد علوم اسلامی در دانشگاه جورج واشنگتن است. در این سخنرانی شاه به اشتباهات گذشته اعتراف کرد و گفت: «ملت عزیز ایران! در فضای باز سیاسی که از دو سال پیش به تدریج ایجاد می‌شد، شما ملت ایران علیه ظلم و فساد پیا خواستید. انقلاب ملت ایران نمی‌تواند مورد تأیید من به عنوان پادشاه ایران و به‌عنوان یک فرد ایرانی نباشد... من آگاهم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج‌ومرج این امکان وجود دارد که اشتباهات گذشته و فشار اختناق تکرار شود. من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که به نام مصالح و پیشرفت مملکت و با ایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود و اما من به نام پادشاه شما که سوگند خورده‌ام که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه اتنی‌عشری را حفظ کنم، بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته هرگز تکرار نشود، بلکه خطاها را هر

جهت نیز جبران گردد. متعهد می‌شوم که پس از برقراری نظم و آرامش در اسرع وقت یک دولت ملی برای آزادی‌های اساسی و انجام انتخابات آزاد، تعیین شود تا قانون اساسی که خونبهای انقلاب مشروطیت است به‌صورت کامل به مرحله اجرا درآید، من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم...».

محمدرضا شاه اقشار مختلف ایران را جداگانه خطاب قرار داد و از آنها خواست که به آرام‌کردن کشور کمک کنند: «من اینجا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران روحانی و مذهبی جامعه و پاسداران اسلامی و به‌خصوص مذاهب شیعه هستند، تقاضا دارم تا با راهنمایی‌های خود و دعوت مردم به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه جهان بکوشند. من از رهبران فکری جوانان می‌خواهم تا با دعوت آنان به آرامش و نظم، راه مبارزه اصولی برای برقراری یک دموکراسی واقعی را هموار کنند. من از شما پدران و مادران ایرانی که مانند من نگران آینده ایران و فرزندان خود هستید، می‌خواهم که با راهنمایی‌های آنان مانع شوید تا از

مورد عنایت و لطف خود قرار داده و همواره مؤید و حافظ ملک و ملت ایران باشد. ان‌شاءالله تعالی». بسیاری معتقدند رژیم شاه تا سال ۴۲ و تا انتهای دولت امینی فرصت داشت تا با مخالفان خود از در صلح درآید و به نوعی دست به اصلاحات بزند. تا سال ۴۲ هنوز امام خمینی، شاه را نصیحت می‌کرد و آیات عظام بروجردی و خویی نیز تمایل زیادی به تقابل با شاه نداشتند، در واقع پس از آن بود که جریان مذهبی وارد فاز انقلاب شد. سخن مهندس مهدی بازرگان در دادگاه در سال ۴۲ که گفت: «ما آخرین کسانی هستیم که از راه قانون اساسی به مبارزه سیاسی برخاسته‌ایم». به فاصله کمی تعبیر شد و پس از آن دوران مبارزه چریکی گروه‌هایی مانند جنبش سیاه کل فداییان خلق آغاز شد.

مشکل اصلی سیاست بود

محمدرضاشاه در عرصه اقتصادی دست به اصلاحات زیادی زده بود، اصلاحات ارضی، بهترین نمونه تلاش او برای کنارآمدن با معترضان حکومت پهلوی است. او مکانیسم بازار و بخش خصوصی و یک اقتصاد لیبرال در ایران را پذیرفت. فضای باز اقتصادی تا دهه ۵۰ همچنان وجود داشت. اما از سوی دیگر فشارهای اقتصادی نیز وجود داشت. از یک‌سو تورم به طبقه متوسط فشار وارد می‌کرد و از سوی دیگر رکود باعث اعتصابات کارگری می‌شد. بر اساس گزارش بانک مرکزی در نیمه سال ۵۷ رکود شدیدی در حوزه مسکن وجود داشت، رشد صنعتی به نصف سال قبل رسیده و رشد تولید ناخالص ملی به صفر رسیده بود. دولت که تلاش کرده بود تورم را مهار کند اکنون گرفتار رکود شده بود.

در عرصه فرهنگ نیز شاه آزادی‌های زیادی فراهم کرد و اصلاحات زیادی صورت گرفت. اما مشکل اصلی مخالفان پهلوی نه مسائل اجتماعی بود و نه مشکلات اقتصادی.

مشکل اساسی، شاهی بود که از جایگاهی بالا در عرصه سیاست دخالت می‌کرد و تصمیم او بالاترین تصمیم بود. سخنرانی او در تلویزیون ملی و اعلام اینکه در حوزه سیاسی نیز کوتاه آمده است بسیار دیر و البته اندک بود. سیلی که از کودتای سال ۱۳۳۲ آغاز شده بود و باران‌های سال ۱۳۴۲ همراه آن شده بود، سرازیر شد.

پنجشنبه • ۱۴ آبان ۱۳۹۴

منهای پایتخت

دستیار ویژه رئیس جمهوری:

باید عدم شناخت اقوام ایرانی نسبت به همدیگر حل شود

● **تسنیم:** زاهدان: حجت‌الاسلام علی یونسی دستیار ارشد رئیس‌جمهور در امور اقوام و مذاهب، در همایش قیام تاریخی امام حسین (ع) از دیدگاه اهل سنت گفت: در این همایش‌ها باید عدم شناخت اقوام و مذاهب مردمان ایران نسبت به همدیگر حل شود. او گفت: در استان سیستان وبلوچستان مردم همدیگر را می‌شناسند و بلوچ و سیستانی در حب اهل بیت خاندان پیامبر (ص)به‌ویژه امام حسین (ع) و فاطمه (س) و حضرت مهدی (عج) زیانزد هستند. یونسی افزود: با گذر زمان بدآموزی و دشمنی‌ها و مخالفت‌ها جای دیگر تأثیر گذاشته که گویا امام حسین (ع) موردتوجه فقط شیعیان است و این خطای بزرگی است و باید خطازدایی کنیم و جهان اسلام همیشه به امام حسین (ع) احتیاج دارد.

ساخت ۴ زندان جدید در استان مازندران

● **ایلنا:** قائمشهر: اصغر جهانگیری، رئیس سازمان زندان‌های کشور از ساخت چهار زندان جدید در استان مازندران خبر داد و گفت: معضل کمیود جا در زندان‌ها یک مشکل کشوری است که در مازندران هم با آن مواجه هستیم و به همین منظور چهار مرکز جدید در شهرهای تنکابن، آمل، بهشهر و کانون اصلاح و تربیت ساری را ۱۰ تا ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی در حال ساخت است. او افزود: یکی از راهکارهای مهم بازگشت به اجتماع برای زندانیان ایجاد ظرفیت اشتغال برای زندانیان است. جهانگیری ادامه داد: با آموزش مهارت‌های اشتغال‌زایی برای مددجویان، شرایط ارتباط آنان با جامعه فراهم می‌شود.

آمریکا قابل هدایت و اعتماد نیست

● **ایرنا:** گرگان: حجت‌الاسلام محمدباقر فرزانه امام جمعه موقت مشهد در مراسم روز ملی مبارزه با استکبار جهانی (۱۳ آبان) در گرگان با اشاره به ویژگی‌های استکبار از نظر قرآن کریم، گفت: آمریکا به عنوان عنصری استکباری، قابل‌هدایت و قابل‌اعتماد نیست. او افزود: هدایت‌ناپذیربودن، نپذیرفتن منطق، داشتن تکبر، برتری‌خواهی، لذت‌طلبی و تن‌پروری از جمله ویژگی‌های استکباری است که در آمریکا دیده می‌شود.



نذر و کار خیر نیازمند ثروت و سرمایه نیست

می توانیم با کمترین مبالغ نذرمان را به ارزشمندترین هدیه خداوند پیوند بزنیم و سلامتی را به کودکان معصوم مبتلا به سرطان هدیه کنیم.

نذر تان قبول

محک مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان mahak-charity.org شماره حساب بانک پارسیان: ۰۴۴۴۴۹۰۱۰۳۰۳۱۲۰۳۰۲۱* ۰۲۳۵۴۰۰۷۲۰* ۰۲۱-۲۳۵۴۰۰۲۱* از اینکه به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.



mahak-charity.org